

ارزیابی مصوبات دولت درباره سینما (۱۳۶۸-۱۳۸۸ شمسی)^۱

الهه دهقان‌پیشه^۲، دکتر رضا اسماعیلی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۴/۱۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی مصوبات دولت در حوزه سینما در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ در ایران است. مصوبات هیئت دولت در این سال‌ها که کلمات کلیدی مربوط به سینما در عنوان یا متن آنها آمده است (۱۰۶ مصوبه)، حوزه پژوهش را تشکیل می‌دهند. روش این پژوهش، تحلیل محتوا و ابزار مورد استفاده چک‌لیست بوده که پایایی آن با استفاده از فرمول اسکات ۰/۹۱ به دست آمد. چک‌لیست تحلیل محتوا بر اساس مدلی ساخته شد که سیاست‌های هنری را به چهار نوع: تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس تقسیم‌بندی کرده است. نتایج تحقیق نشان داد در روند بیست‌ساله مورد بررسی، دولت‌های مختلفی که در فواصل چهارساله بر روی کار آمده‌اند، در به‌کارگیری انواع سیاست‌های هنری در سینما با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. دولت در دوره اول و دوم ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی سیاست‌های هنری تسهیل‌گر و مهندس؛ در دوره اول ریاست‌جمهوری محمد خاتمی، سیاست‌های هنری حامی و معمار و در دوره دوم او، سیاست‌های هنری معمار؛ و در دوره اول ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد سیاست‌های هنری معمار و مهندس را بیش از دیگر انواع مورد استفاده قرار داده است. هرچند

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ارزیابی سیاست‌های هنری دولت در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ (مطالعه موردی: سینما، موسیقی و تئاتر)» رشته مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان است که توسط الهه دهقان‌پیشه نگارش یافته است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان e.dehghanpishesh@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان r.esmaeilii@khuisf.ac.ir

سیاست‌های هنری مورد استفاده در دوره‌های مختلف ریاست‌جمهوری در طول بیست سال با یکدیگر متفاوت بوده اما در کل، سیاست‌های هنری معمار و مهندس نسبت به حامی و تسهیل‌گر بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: سیاست هنری، سیاست فرهنگی، مصوبات دولت، سینما.

مقدمه

اهمیت رو به رشد هنر و مخاطبان‌ش، دولت‌ها را نسبت به آن بی تفاوت نگذاشته است؛ به همین سبب دولت‌ها به قصد تأثیرگذاری در آن دست به فعالیت‌هایی مثل حمایت مالی، نظارت و اعمال محدودیت‌ها می‌زنند؛ گاهی هم با عدم مداخله و اجتناب از هر عملی بر این حوزه تأثیر می‌گذارند. در هر حالت، می‌توان گفت دولت‌ها نسبت به آن سیاستی در پیش گرفته‌اند؛ چراکه می‌توان سیاست را مجموعه کارهایی دانست که دولت انجام می‌دهد یا نمی‌دهد. اتخاذ هر کدام از این سیاست‌ها و نحوه برخورد دولت‌ها و حکومت‌های مختلف با هنر و هنرمندان، در طول تاریخ نتایج مختلفی به بار آورده است. در این میان فیلم و سینما به دلیل گستره آموزشی بیشتر و مطرح بودن به عنوان یک هنر - صنعت بیش از دیگر هنرها مورد توجه دولت‌ها بوده‌اند. مدل استفاده‌شده در این پژوهش داده‌های خود را بیش از هر چیز از تاریخ استخراج کرده است. تجارب تاریخی می‌توانند مقیاس مناسبی برای ارزیابی سیاست‌های هنری دولت‌ها فراهم آورند و همچنین می‌توانند به آنها در تصمیم‌گیری‌های جدید یاری رسانند.

طرح مسئله

یکی از چالش‌های دولت‌ها برای حمایت از بخش فرهنگ و هنر، این است که با توجه به تنوع سیاست‌های فرهنگی و هنری و گزینه‌های پیش رو، نتیجه اتخاذ بعضی سیاست‌ها و استراتژی‌ها نسبت به بقیه چیست؟

در سطح بین‌المللی به منظور ارزیابی سیاست‌های فرهنگی از روش‌های بسیار متنوعی استفاده می‌شود؛ اما بیشتر روش‌های مورد استفاده اقتصادی و کمی است و به گفته برخی صاحب‌نظران، نقش اصلی به غلط به اداره‌های آمار ملی داده شده که این روش همه داده‌های مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان را فراهم نمی‌کند و به اندازه کافی قابل اعتماد، قابل مقایسه و سازگار با داده‌های جمع‌آوری شده درباره سیاست فرهنگی کشوری دیگر نیست. شرایط حاکم بر عرصه فرهنگ تفاوت عمده‌ای با اقتصاد دارد که این تفاوت‌ها به شاخص‌ها و کمیت‌های به‌دست‌آمده



نیز تسری می‌یابد و در نتیجه نحوه تحلیل‌ها و بررسی‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این در حالی است که در چند سال اخیر، درباره سیاست‌های فرهنگی و هنری و انواع آن مطالعات گسترده‌ای در سطح جهان صورت گرفته و مبانی نظری مناسبی به منظور ایجاد روشی مختص ارزیابی سیاست‌های فرهنگی و هنری ایجاد شده است. این پژوهش به بررسی اتخاذ انواع مختلف سیاست‌های هنری توسط دولت‌های حاکم در سال‌های ۱۳۶۸ (آغاز دوره اول ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی) تا ۱۳۸۸ (پایان دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد) در حوزه سینما می‌پردازد.

پرسش‌های تحقیق

۱. سیاست‌های هنری (تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس) دولت‌ها در روند بیست‌ساله مورد بررسی در حوزه سینما چه بوده است؟
۲. دولت‌های مختلف چه تفاوت‌هایی در اتخاذ انواع سیاست‌های هنری در حوزه سینما داشته‌اند؟
۳. اولویت‌های دولت‌ها (نحوه سرمایه‌گذاری، ابزار، تحرک سیاسی و هدف) در روند بیست‌ساله مورد بررسی در سیاست‌های هنری در حوزه سینما چه بوده است؟

مروری بر ادبیات تحقیق

مطالعات سیاست‌های فرهنگی به بررسی چگونگی سیاست‌های دولت از نظر استراتژی‌های تسهیل، تنظیم و تشکیل در مسائل فرهنگی می‌پردازد (کریک^۱، ۲۰۰۷: ۸۳). دسترسی به اطلاعات سیاست فرهنگی و نیز سیاست هنری که زیرمجموعه آن است و جهت‌دهی به آن سخت است. آمار فرهنگی آشفته و پراکنده و گزارش‌های سیاست‌های فرهنگی، زودگذر و خارج از جریان هستند. بنابراین «ادبیات خاکستری»^۲ نامیده می‌شوند که به‌سختی قابل کسب است. اصطلاح ادبیات خاکستری برای توضیح آنچه توسط خود سازمان‌ها (گزارش‌ها، خبرنامه‌ها و غیره) - مثل سازمان‌های دولتی، سازمان‌های حرفه‌ای، مراکز تحقیقاتی، دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های عمومی، گروه‌های مشترک‌المنافع، انجمن‌ها و جوامع - منتشر می‌شود، ابداع شده است. ادبیات خاکستری مشکلاتی برای مدیریت اطلاعات ایجاد می‌کند: اغلب یافتن آن از طریق کانال‌های معمول دشوار است و فهرست اطلاعات و تنظیمات آن ضعیف، و صفحه‌بندی و شکل‌بندی آن غیرحرفه‌ای

1. Craik
2. Grey Literature





است و کمتر چاپ می‌شود. بسیاری از بخش‌های ادبیات سیاست فرهنگی را به‌وضوح می‌توان خاکستری توصیف کرد. بسیاری از گزارش‌ها به صورت داخلی یا به عنوان مأموریت، بدون اینکه در نهایت پخش یا توزیع شوند، تهیه می‌شوند (مدن^۱، ۲۰۰۵: ۱۳۱).

در داخل کشور پژوهشگران با رویکردهای گوناگون به بررسی و مطالعه سیاست‌های فرهنگی و هنری پرداخته‌اند؛ اما مدلی ویژه ارزیابی سیاست‌های فرهنگی و هنری ارائه نشده است. *اسدزاده* (۱۳۸۸) در مقاله انتقادی خود با عنوان «جامعه‌شناسی سیاسی سینمای ایران (بررسی مدیریت هنری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه سینما در دو دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی)» مرزبندی‌های سیاسی در ایران را در عرصه سینما مورد بررسی قرار داده و با استفاده از روش تحلیل محتوا و تحلیل متنی فیلم‌ها به تبیین سیاست‌های فرهنگی - هنری دولت در عرصه سینما در دو دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی پرداخته است. بر همین اساس او دو گفتمان سنتی و مدرن را به عنوان نماد فکری دو جناح سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در سینما بررسی کرده و در پایان به این نتیجه رسیده که هر دو گفتمان و جریان سیاسی در ایران به سوی پیوست فرهنگی حرکت نکرده و در سیاست‌گذاری سینمایی از تجربیات گذشته، مصلحت جامعه و آینده‌نگری فاصله گرفته‌اند.

سیلان اردستانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مقررات سینما، تئاتر و موسیقی؛ چالش‌ها و خلأها» مهم‌ترین مشکل حال حاضر در عرصه‌های مدیریت هنری را چالش‌ها و خلأهای قانونی دانسته و با تفکیک جایگاه قانون از مقررات دولتی به بررسی قوانین و مقررات حوزه هنر پرداخته و چالش‌ها و کاستی‌های موجود این حوزه را آشکار کرده است. او به این نکته اشاره می‌کند که قوانین دارای جایگاه و شأنی مخصوص به خود هستند که برآمده از اراده عمومی شهروندان و دارای سازوکار احقاق حقوق ذی‌نفعان است. در ایران بیشترین خلأ قانونی مربوط به هنر می‌شود و این خلأهای قانونی با وضع مقررات پایین‌دستی مثل آیین‌نامه هیئت وزیران، آیین‌نامه وزارتخانه‌ای و دستورالعمل مدیران جبران شده که در عمل نمی‌تواند نیازها و حقوق شهروندان و هنرمندان را تأمین کند. همین فقدان نظام حقوقی منسجم و یکدست، سبب ایجاد اختلال در عرصه تولیدات و عرضه محصولات فرهنگی - هنری شده است.

در چند سال اخیر، درباره سیاست‌های فرهنگی و هنری و انواع آن مطالعات گسترده‌ای در سطح جهان صورت گرفته و مبانی نظری مناسبی به منظور ایجاد روشی مختص ارزیابی سیاست‌های فرهنگی و هنری ایجاد شده است. از جمله این مبانی نظری مناسب، مدل‌های گونه‌شناسی^۲ سیاست‌های فرهنگی و هنری است. مهم‌ترین و بادوام‌ترین مدل گونه‌شناسی، طبقه‌بندی چارترند

1. Madden

2. Typological Models



و مک‌کافی^۱ (۱۹۸۹) از سیاست فرهنگی و هنری به چهار نوع یا نقش اصلی یعنی تسهیل‌گر^۲، حامی^۳، معمار^۴ و مهندس^۵ است. این نقش‌ها برای نمایش میزان مداخله دولت در فرهنگ سودمند هستند و نحوه این مداخله در برون‌دادها و محصولات فرهنگی نمایان می‌شود.

نقش تسهیل‌گر: نیازمند ترویج غیرمستقیم فعالیت‌های فرهنگی از طریق گسترش مشوق‌ها و انگیزه‌های مالیاتی برای نهادهای مشارکتی و خیرین است؛ به عبارت دیگر دولت شرایطی را برای کمک به تولید و مصرف فرهنگی فراهم می‌آورد (کین و ژانگ^۶، ۲۰۰۸: ۴).

نقش حامی: هنگامی که دولت در سیاست فرهنگی به صورت حامی عمل می‌کند، از هنر و فرهنگ از طریق آنچه اصل استقلال نامیده می‌شود، حمایت می‌کند. در این مدل، دولت منابع مالی‌ای را به هنر و فرهنگ اختصاص می‌دهد اما عموماً شوراهای هنری تصمیم می‌گیرند که چه سازمان‌ها و افرادی باید حمایت را دریافت کنند. حتی اگر اعضای یک شورای هنری توسط دولت تعیین شده باشند، معمولاً هدف این است که تصمیم‌گیری‌ها بر اساس ارزیابی‌های مستقل انجام شود. شوراهای هنری مستقل برای عملکرد و تصمیمات خود در مقابل ارزیابی‌های کیفی هنرمندان حرفه‌ای و روش‌های تخصصی مسئول هستند (پردلی^۷، ۱۹۹۹: ۱۳).

نقش معمار: دولت معمار از طریق وزارت و یا گروه فرهنگ در هنرهای زیبا سرمایه‌گذاری می‌کند: تصمیم‌گیری در مورد حمایت مالی از هنرمندان و سازمان‌های هنری عموماً توسط مأمورین دولتی (اداری) گرفته می‌شود. دولت معمار به حمایت از هنر به عنوان بخشی از اهداف رفاه اجتماعی خود تمایل دارد (چارترند، ۲۰۰۲: ۷).

نقش مهندس: نقش مهندس با مداخله و نظارت مستقیم دولت در محدوده فرهنگی اتفاق می‌افتد. فرهنگ ابزار آموزش سیاسی دولت است و دولت مالک ابزار تولید از جمله رسانه است (کین و ژانگ، ۲۰۰۸: ۴).

همان‌طور که کین و ژانگ (۲۰۰۸) معتقدند احتمال وجود نمونه یا کشوری با سیاست فرهنگی دقیقاً مطابق با یکی از این نقش‌ها، وجود ندارد. ارتباط بین دولت‌ها و فرهنگ، منوط به اینکه کدام بخش‌های محدوده فرهنگی مدیریت می‌شود، بیشتر به صورت ترکیبی از این نقش‌هاست و این شاید به این دلیل است که «هنگام بروز تحولات همه‌جانبه، باید راه برای اتخاذ و اجرای

1 Chartrand and Mccaughey

2. Facilitator

3. Patron

4. Architect

5. Engineer

6. Keane and Zhang

7. Predelli

سیاست‌های مناسب و مؤثر فرهنگی و تأمین نیازهای منطبق با دگرگونی‌های مورد نظر، به طور کامل باز شود» (معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸: ۳۳).

جدول شماره ۱. مدل چارترند و مک کافی

نقش	وضعیت اقتصادی هنرمند	استاندارد هنری	تحرک سیاسی	روش تأمین وجوه	هدف سیاسی	کشور نمونه	نقاط قوت و ضعف
تسهیلگر	درخواست گیشه؛ سلیقه و وضعیت مالی حامیان شخصی	تصادفی	تصادفی	مخارج مالیاتی	تنوع	آمریکا	قوت: تنوع منابع سرمایه‌گذاری ضعف: برتری و فضیلت لزوماً حمایت نمی‌شود؛ سودهای پرسش‌برانگیز؛ محاسبه هزینه مالیات
حامی	درخواست گیشه؛ سلیقه و وضعیت مالی حامیان شخصی؛ کمک هزینه شوره‌های مستقل هنری و ارزیابی همکاران	حرفه ای	تکاملی	شوره‌های مستقل هنری	برتری، فضیلت	انگلیس	قوت: حمایت از فضیلت و برتری ضعف: نخبه‌سالاری
معمار	عضویت در اتحادیه‌های هنرمندان؛ سرمایه‌گذاری عمومی مستقیم	عوامانه	چرخشی (انقلابی)	وزارت فرهنگ	رفاه اجتماعی	فرانسه	قوت: عدم نگرانی از وابستگی به گیشه؛ ضعف: رکود خلاقیت
مهندس	عضویت در اتحادیه‌های رسمی هنرمندان؛ مصوب حزب	سیاسی	تجدید نظری	مالکیت ابزار تولید هنری	آموزش سیاسی	اتحاد جماهیر شوروی سابق	قوت: متمرکز کردن نیروی خلاقیت برای دستیابی به اهداف رسمی سیاسی ضعف: چاپلوسی، زیرزمینی، برون‌داد معکوس





مدل چارترند و مک کافی که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است، می‌تواند به منظور فهم توسعه، تغییر و تفاوت در سیاست فرهنگی دولت‌ها به کار رود و از این رو مدل مناسبی برای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی و هنری محسوب می‌شود. می‌توان سیاست‌های فرهنگی و هنری را با شاخص‌های نقش‌های این مدل مقایسه کرد و نوع نقش دولت‌ها را نتیجه گرفت. به علاوه این مدل ویژگی‌های لازم برای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی و هنری را نیز دارد زیرا انعطاف‌پذیر و قابل تبدیل است و قابلیت سازگاری با حیات فرهنگی کشورهای مختلف را دارد؛ تغییراتی که توسط پژوهشگران مختلف از کشورهایی با فرهنگ‌های متفاوت بر آن اعمال شده، خود بیانگر این ویژگی است. ویژگی دیگر این مدل بی‌طرف و منصف بودن در عین انتقادی بودن آن است چراکه نکات مثبت و منفی نقش‌های مختلف را برشمرده است.

تقریباً تمامی پژوهشگرانی که از مدل چارترند و مک کافی در پژوهش خود استفاده کرده‌اند (ویسزومیرسکی^۱، ۲۰۰۳؛ چارترند، ۲۰۰۶؛ کریک، ۲۰۰۷؛ کین و ژانگ، ۲۰۰۸) به نوعی به تغییر و ارتقای آن اقدام کرده‌اند. اغلب آنها اقدام به اضافه یا جایگزین کردن نقش‌های جدید به جای نقش‌های قبلی نموده‌اند اما نقش‌های اضافه‌شده، تنها در یک یا دو کشور کاربرد دارند و نقش‌های بسیار محدودی هستند که تعاریف دقیقی نیز برای آنها ارائه نشده است؛ در حالی که مدل چارترند و مک کافی این ظرفیت را دارد که با همان نقش‌های چهارگانه اولیه و تنها با تغییر، حذف یا ترکیب برخی از شاخص‌ها که از مفاهیم تعریف‌شده هر نقش قابل استخراج است و نیز با کمک گرفتن از دیگر مدل‌های موجود در پیشینه مطالعات مربوط به سیاست هنری ارتقا یابد و متناسب با ویژگی‌های هر کشور، بومی شود.

برای تطابق مدل با ویژگی‌های سیاست‌های هنری دولت در ایران، شاخص‌هایی که در مصوبات دولت‌ها قابل تشخیص نبود و یا بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته بود، حذف و یا با شاخص‌های دیگر ترکیب شد و یا در مواردی با تجزیه برخی شاخص‌ها و یا استفاده از دیگر مدل‌های موجود در پیشینه سیاست هنری، شاخص‌های جدیدی تعریف شد و شروطی که نیلف^۲ (۱۹۹۷) برای شاخص‌های ارزیابی سیاست فرهنگی برشمرده بود - که باید با احتیاط انتخاب شوند، زیاد نباشند و برای ارزیابی طیف مورد نظر کافی باشند - رعایت شد؛ ضمن اینکه در تمام این مراحل تلاش شد چهارچوب اصلی مدل بر اساس توصیفاتی که چارترند (۲۰۰۲) برای نقش‌های تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس ارائه داده است، حفظ شود.

1. Wyszomirski
2. Nylof

در این پژوهش، مدل چارترند و مک کافی در نهایت به صورتی که در جدول ۲ آورده شده، ارتقا یافته و استفاده شده است.

جدول شماره ۲. مدل مورد استفاده در این پژوهش

هدف	تحریک سیاسی	ابزار حمایتی	نحوه سرمایه‌گذاری	نقش دولت
اقتصادی	سلیقه‌ای	مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی	افراد، شرکت‌ها و مؤسسه‌های خصوصی	تسهیل‌گر
زیباشناسی حرفه‌ای (الف) دست‌یابی به استانداردهای بین‌المللی (ب)	تکاملی	هدایا، جوایز، جشنواره‌ها	شوراهای هنری مستقل متشکل از متخصصان و هنرمندان	حامی
اجتماعی (الف) رفاه اجتماعی (ب) اهداف فرهنگ ملی	انقلابی (چرخشی)	رفاهی (بیمه، امنیت درآمد و استخدام دولتی هنرمندان)	وزارت فرهنگ یا بخش‌های فرهنگی دولت	معمار
ایدئولوژیک (الف) آموزش سیاسی (ب) ترویج ایدئولوژی یا عقیده‌ای خاص	تجدید نظری	مجوز و تأیید رسمی، نظارت، دستورالعمل، تعیین وظیفه، تعیین محتوای اثر هنری	دولت صاحب ابزار تولید هنری است	مهندس



روش تحقیق

در تحقیقاتی که در ارتباط با اسناد مکتوب از جمله قوانین و لوایح است، تحلیل محتوا می‌تواند روش مناسبی باشد. در این تحقیق نیز با توجه به ماهیت موضوع تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روش غالب این پژوهش اسنادی است. مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوا توصیف ویژگی‌های یک پیام است. دومین کاربرد این روش استنباط درباره فرستندگان پیام و دلایل یا پیش‌آیندهای پیام است. تحلیل محتوا برای استنباط جنبه‌های فرهنگی پیام و تغییرات فرهنگی نیز به کار می‌رود.

شروط تحلیل محتوا عبارتند از:

- عینی بودن: هر مرحله از فرایند پژوهش باید بر اساس قواعد، احکام و روش‌های مشخص انجام گیرد (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۴).

- منظم بودن: تجزیه و تحلیل محتوا زمانی کامل انجام می‌پذیرد که تمام آنچه در محتوا به موضوع مورد بررسی مربوط می‌شود، مورد توجه قرار گیرد (معتدلزاد، ۱۳۵۶: ۷۷).

- عمومیت: یعنی یافته‌ها با هم ارتباط نظری داشته باشند، اطلاعات توصیفی صرف درباره محتوا، بدون ارتباط با دیگر ویژگی‌های اسناد یا خصوصیات فرستنده و گیرنده پیام، ارزش چندانی ندارد (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۶).

واحدهای تحلیل

در این تحقیق واحدهای تحلیل عبارتند از:

(الف) واحد عنوان: که هر یک از مصوبات هیئت دولت است؛

(ب) واحد بررسی: آن دسته از مصوبات که مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ است که در عنوان آنها یکی از کلمات کلیدی مربوط به سینما آمده و یا در متن آنها این کلمات آمده است؛ مشروط بر اینکه کل مصوبه و یا ماده‌ای از آن به طور کامل به سینما پرداخته باشد.

(ج) واحد متن: در این پژوهش با توجه به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی دولت در عرصه هنر از واحد متن استفاده شده است.

(د) واحد ثبت: مضمون.

حوزه پژوهش

مصوبات هیئت دولت در سینما در سال‌های ۱۳۶۸ (از آغاز دوره اول ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی) تا ۱۳۸۸ (پایان دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد) حوزه پژوهش را تشکیل می‌دهند.

متن مصوبات هنری که باید مورد تحلیل قرار گیرند از طریق جست‌وجوی کلمات کلیدی مرتبط با سینما (سینما، فیلم، انیمیشن، پویانمایی، ویدئو، سمعی و بصری، صوتی و تصویری) در متن و عنوان مصوبات دولت در نرم‌افزار «لوح حق»^۱ (از آغاز دوره اول ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ تا تاریخ ۱۳۸۷/۷/۸) و «پایگاه اینترنتی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری»^۲ (از تاریخ ۱۳۸۷/۷/۹ تا پایان دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۸) استخراج شده است.

۱. لوح حق کامل‌ترین مجموعه قوانین و مقررات کشور در جهت تحقق دسترسی آزاد به اطلاعات قوانین و مقررات توسط دفتر فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی منتشر شده است. در این پژوهش، از نسخه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ این نرم‌افزار استفاده شده است.

2. <http://www.spac.ir>



مصوباتی که کلمات مورد نظر در عناوین آنها بوده به طور کلی انتخاب شده و محتوای آنها بررسی شده؛ اما مصوباتی که کلمات مورد نظر در متن آنها بوده به شرطی جزء جامعه مورد نظر است که کل آن یا ماده‌ای از آن به طور کامل به سینما مرتبط باشد. در صورت مرتبط بودن کل مصوبه به سینما، همه آن و در صورت مرتبط بودن بخش‌هایی از آن تنها بخش‌های مورد نظر بررسی شده‌اند. با جست‌وجو در عنوان و متن مصوبات و با در نظر گرفتن شرایط فوق برای سینما ۱۰۶ مصوبه (۴۰ بار کلمات کلیدی در عنوان و متن و ۶۶ بار فقط در متن) یافت شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار اصلی این پژوهش، چک لیست تدوین شده به منظور بررسی مصوبات سینمایی هیئت دولت است. این چک لیست شامل: نقش دولت، هدف، تحرک سیاسی، ابزار، نحوه سرمایه‌گذاری، رئیس دولت، تاریخ تصویب، عنوان، محل جست‌وجو، کلید واژه و گروه می‌شود، هر مصوبه پس از استخراج مورد مطالعه قرار گرفته و بر اساس شاخص‌های برگرفته از مدل طبقه‌بندی شده است.



روایی و پایایی ابزار

برای رسیدن به روایی و پایایی در این پژوهش اصول عینیت، منظم بودن، عمومیت، کمی بودن و آشکار بودن در چک لیست‌ها دقیقاً رعایت شده است.

برای سنجش روایی، با مراجعه به متون علمی و نظریه‌ها و مدل مربوط به موضوع، مقوله‌بندی انجام شد و در اختیار تعدادی از اساتید دانشگاه قرار گرفت. پس از انجام اصلاحات توسط آنها روایی محتوا و صوری چک لیست‌ها تأیید شد.

شرط عینیت پژوهش، پایایی مقیاس‌ها و روش‌هاست یعنی رسیدن به نتایجی مشابه با به‌کارگیری معیارهای تکراری با ابزار یکسان در نمونه مفروضی از اطلاعات. پایایی عبارت است از کارکرد مهارت، بصیرت و تجربه رمزگذاران، صراحت مقوله‌ها و قواعد رمزگذاری که کاربرد آنها را هدایت می‌کند و درجه عدم ابهام اطلاعات. برای اطمینان از اینکه رمزگذاران در تصمیم‌گیری متکی بر جنبه‌های یکسانی از تجارب خود هستند، لازم است آموزش داده شوند. در این پژوهش رمزگذاری اول توسط پژوهشگر و رمزگذاری دوم توسط شخصی دیگر در ۱۰ درصد از کل مصوبات که به قید قرعه انتخاب شده بودند، انجام شده است. رمزگذار دوم

قبل از رمزگذاری آموزش داده شده و مدل مورد استفاده در پژوهش و تعاریف دقیق مقوله‌ها برای او تشریح شده است. جدول شماره ۲ مربوط به شاخص‌ها و طبقه‌بندی آنها نیز در حین رمزگذاری در اختیار پژوهشگر قرار داده شد تا متون مصوبات را از طریق آن رمزگذاری کند. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد نیز از فرمول زیر که ویلیام اسکات برای مقیاس اسمی ارائه داده، استفاده شده است.

$$P_e = \sum_i^k P_i^2 \quad \pi = \frac{P_o - P_e}{1 - P_e}$$

k = تعداد مقوله‌ها (مقوله‌ها در این پژوهش همان نقش‌ها هستند: تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس)

π = ضریب قابلیت اعتماد

$P_e P_e$ = درصد توافق مورد انتظار

$P_i P_i$ = نسبت هر مقوله (منظور نسبت تعداد هر نقش به تعداد کل نقش‌ها در هر یک از

شاخص‌هاست)

$P_o P_o$ = درصد توافقات مشاهده‌شده

«در فرمول اسكات نخست لازم است درصد توافقی‌های تصادفی را تعیین کنیم. این کار با پیدا کردن نسبت عناوین هر مقوله از مجموعه مقوله‌ها و جمع کردن مجذور آن نسبت‌ها عملی می‌شود» (هولستی، ۱۳۸۰: ۲۱۷).

توافق مورد انتظار یا توافق تصادفی، نشان‌دهنده درصد توافقی است که دو رمزگذار در صورت اختصاص تصادفی واحدهای محتوا به مقوله مورد نظر به دست می‌آورند. درصد توافقات مشاهده‌شده نیز از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$P_o = \frac{2M}{N_1 + N_2}$$

در این فرمول M تعداد تصمیم‌های مربوط به رمزگذاری است که دو داور در مورد آن با هم توافق دارند و $N_1 N_1$ و $N_2 N_2$ تعداد تصمیم‌های داوران شماره ۱ و ۲ درباره رمزگذاری است. در این پژوهش در ابتدا شاخص‌ها دقیقاً مطابق با شاخص‌های تعریف‌شده در مدل اصلی





یعنی سرمایه‌گذاری، وضعیت اقتصادی هنرمند، استانداردهای هنری، تحرک سیاسی و هدف سیاسی انتخاب شده بود؛ اما به دلیل کلی‌گویی و ابهام مدل و نیز عدم تطابق برخی مفاهیم با ادبیات به کار گرفته شده در مصوبات دولت‌ها در ایران، پایایی ابزار با استفاده از روش فوق، کمتر از ۰/۷ به دست آمد. برای حل این مشکل، تعاریف دقیق‌تری (تعاریف عملیاتی) از شاخص‌ها بر اساس ادبیات به کار گرفته شده در مصوبات دولت‌ها در ایران ارائه شد. «تعاریف عملیاتی دو شرط را تأمین می‌کند: این تعریف، معرّف معتبری از مفاهیم تحلیل‌گر است و به اندازه‌ای دقیق است که رمزگذاران را به سمت داوری‌های پایا هدایت کند» (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). همچنین شاخص‌هایی که در مصوبات دولت‌ها قابل تشخیص نبود و یا بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته بود، حذف و یا با شاخص‌های دیگر ترکیب شد و یا در مواردی با تجزیه برخی شاخص‌ها و یا استفاده از دیگر مدل‌های موجود در پیشینه سیاست هنری، شاخص‌های جدیدی تعریف شد. در تمام این مراحل تلاش شد چهارچوب اصلی مدل بر اساس توصیفاتی که چارترند برای نقش‌های تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس ارائه داده است، حفظ شود. در این پژوهش، مدل چارترند در نهایت به صورتی که در جدول ۲ آورده شده، ارتقا یافته و استفاده شده است. بعد از ارائه شاخص‌های جدید و تعاریف دقیق، پایایی برای شاخص نحوه سرمایه‌گذاری ۰/۸۷، برای شاخص ابزار ۰/۸۸، برای شاخص تحرک سیاسی ۰/۸۴ و برای شاخص هدف ۰/۸۰ محاسبه شد. پایایی کل ابزار تحقیق نیز ۰/۹۱ به دست آمد که نشان از سطح مطلوب قابلیت اعتماد ابزار دارد.

محدودیت‌های تحقیق

- باید توجه داشت که بسیاری از شوراها و سازمان‌های فرهنگی کشور، دولتی (مربوط به قوه مجریه) نیستند اما از نهادهای حکومتی محسوب می‌شوند، مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی. یافته‌های حاصل از این پژوهش به دیگر نهادهای حکومتی قابل تعمیم نیست. شاید در سطوح بالاتر سیاست‌گذاری، اهداف ایدئولوژیک که به نقش مهندس مربوط است، بیشتر استفاده شود تا در سطح اجرا و قوه مجریه.

- سیاست‌گذاری‌های دولت علاوه بر مصوبات هیئت وزیران ممکن است از طریق آیین‌نامه‌های وزارتخانه‌ای و دستورالعمل‌های مدیران نیز انجام شود. این آیین‌نامه‌های وزارتخانه‌ای و دستورالعمل‌ها ممکن است مستقیماً توسط وزارتخانه مرتبط با امور فرهنگی و هنری یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیران حوزه‌های فرهنگی و هنری صادر شوند

یا توسط وزارتخانه‌ها و مدیران دستگاه‌ها و دیگر سازمان‌های دولتی صادر شوند اما به نحوی غیرمستقیم به امور فرهنگی و هنری مرتبط باشند؛ مثلاً به مواردی نظیر مسائل اقتصادی یا حقوقی هنر اشاره کنند. این پژوهش تنها به تحلیل محتوای مصوبات هیئت وزیران در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ پرداخته و آیین‌نامه‌های داخلی به امضای وزیر و دستورالعمل‌های مدیران را در این سال‌ها مورد بررسی قرار نداده است.

تحقیق حاضر فرض را بر این گذاشته که همه مصوبات هیئت دولت، اجرایی شده و سیاست‌های هنری دولت را تشکیل داده‌اند؛ درحالی‌که با حذف مصوباتی که شاید اجرایی نشده باشند، احتمال دارد نتایج تحقیق تغییر کند.

یافته‌های تحقیق

پرسش اول: سیاست‌های هنری (تسهیل‌گر، حامی، معمار و مهندس) دولت‌ها در روند بیست‌ساله مورد بررسی در حوزه سینما چه بوده است؟

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی نقش‌های دولت‌ها (تجزیه‌شده بر اساس شاخص‌ها) در مصوبات سینمایی

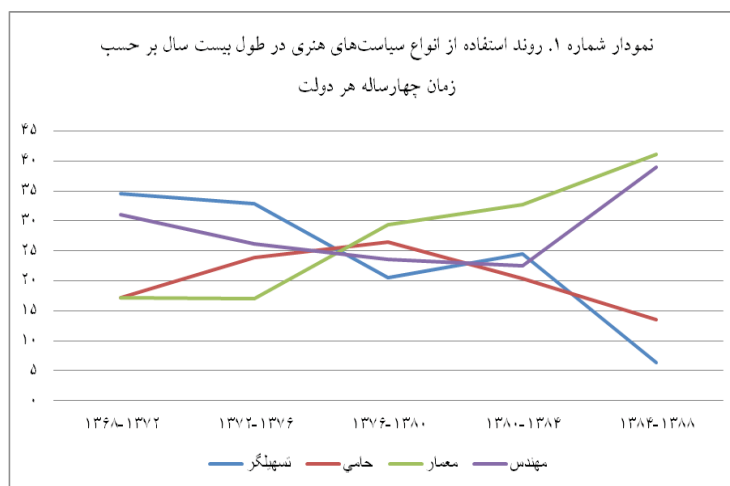
رئیس دولت	سال	تسهیل‌گر	حامی	معمار	مهندس	جمع	درصد
اکبر هاشمی رفسنجانی	۱۳۶۸-۱۳۷۲	۱۰ درصد	۵ درصد	۵ درصد	۹ درصد	۲۹	۷/۰۹ درصد
	۱۳۷۲-۱۳۷۶	۲۹ درصد	۲۱ درصد	۱۵ درصد	۲۳ درصد	۸۸	۲۱/۵۲ درصد
محمد خاتمی	۱۳۷۶-۱۳۸۰	۲۱ درصد	۲۷ درصد	۳۰ درصد	۲۴ درصد	۱۰۲	۲۴/۹۴ درصد
	۱۳۸۰-۱۳۸۴	۱۲ درصد	۱۰ درصد	۱۶ درصد	۱۱ درصد	۴۹	۱۱/۹۸ درصد
محمود احمدی‌نژاد	۱۳۸۴-۱۳۸۸	۹ درصد	۱۹ درصد	۵۸ درصد	۵۵ درصد	۱۴۱	۳۴/۴۷ درصد
	جمع	۸۱	۸۲	۱۲۴	۱۲۲	۴۰۹	
درصد		۱۹/۸ درصد	۲۰/۰۵ درصد	۳۰/۳۲ درصد	۲۹/۸۳ درصد	۱۰۰	درصد





همان‌طور که جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، دولت در روند بیست‌ساله مورد بررسی در مصوبات سینمایی انواع سیاست‌های هنری را به کار گرفته است. دولت در حوزه سینما جمعاً ۸۱ شاخص مربوط به نقش تسهیل‌گر، ۸۲ شاخص مربوط به نقش حامی، ۱۲۴ شاخص مربوط به نقش معمار، ۱۲۲ شاخص مربوط به نقش مهندس را استفاده کرده است. پرسش دوم: دولت‌های مختلف چه تفاوت‌هایی در اتخاذ انواع سیاست‌های هنری در حوزه سینما داشته‌اند؟

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، ۷/۰۹ درصد از کل مصوبات سینما در دوره چهارساله اول ریاست جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی، ۲۱/۵۲ درصد در دوره دوم او، ۲۴/۹۴ درصد در دوره اول محمد خاتمی، ۱۱/۹۸ درصد در دوره دوم او و ۳۴/۴۷ درصد در دوره اول محمود احمدی‌نژاد به تصویب رسیده است.



همان‌طور که نمودار شماره ۱ نمایش می‌دهد، در روند بیست‌ساله مورد بررسی استفاده از سیاست‌های هنری تسهیل‌گر کاهش یافته تا در دوره دوم محمد خاتمی تجدید نظر شده و افزایش یافته اما در دوره احمدی‌نژاد با چرخشی دوباره استفاده از آن کاهش یافته است. استفاده از سیاست‌های هنری حامی افزایش یافته تا با تجدید نظر در دوره دوم محمد خاتمی استفاده از آن کم شده که این کاهش در دوره محمود احمدی‌نژاد نیز ادامه داشته است. استفاده از سیاست‌های هنری معمار در مصوبات سینمایی به اندازه کمی کاهش یافته اما در دوره اول

محمد خاتمی با تغییر سلاقیق، افزایش چشمگیری یافته است. در دوره‌های بعد نیز این افزایش ادامه داشته و استفاده از سیاست‌های هنری مهندس رو به کاهش بوده اما با تغییر سلاقیق سیاسی در دوره محمود احمدی‌نژاد، افزایش یافته است.

پرسش سوم: اولویت‌های (نحوه سرمایه‌گذاری، ابزار، تحرک سیاسی و هدف) دولت‌ها در روند بیست‌ساله مورد بررسی در سیاست‌های هنری به کار گرفته شده در حوزه سینما چه بوده است؟

جدول شماره ۴. توزیع فراوانی شاخص‌های مربوط به نقش‌ها در مصوبات سینمایی

شاخص	نقش	فراوانی	درصد	جمع
نحوه سرمایه‌گذاری	تسهیل‌گر	۲۰	۴/۸۹ درصد	۱۰۸ ۲۶/۴۱ درصد
	حامی	۲	۰/۴۹ درصد	
	معمار	۵۵	۱۳/۴۵ درصد	
ابزار	مهندس	۳۱	۷/۵۸ درصد	۱۴۷ ۳۵/۹۴ درصد
	تسهیل‌گر	۳۵	۸/۵۶ درصد	
	حامی	۲۴	۵/۸۷ درصد	
	معمار	۸	۱/۹۶ درصد	
تحرک سیاسی	مهندس	۸۰	۱۹/۵۶ درصد	۲۱ ۵/۱۳ درصد
	تسهیل‌گر	۳	۰/۷۳ درصد	
	حامی	۱۴	۳/۴۲ درصد	
	معمار	۳	۰/۷۳ درصد	
هدف	مهندس	۱	۰/۲۴ درصد	۱۳۳ ۳۲/۵۲ درصد
	تسهیل‌گر	۲۳	۵/۶۲ درصد	
	حامی	۴۲	۱۰/۲۷ درصد	
	معمار	۵۸	۱۴/۱۸ درصد	
	مهندس	۱۰	۲/۴۴ درصد	
	جمع	۴۰۹	۱۰۰ درصد	





همان‌طور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، دولت‌ها در روند بیست‌ساله مورد بررسی در حوزه سینما در مجموع در مصوبات خود ۴۰۹ شاخص مربوط به نقش‌های مختلف را استفاده کرده‌اند.

اولویت دولت‌ها در به‌کارگیری شاخص‌های نقش‌ها به ترتیب زیر بوده است:

۱. ابزار
 ۲. هدف
 ۳. نحوه سرمایه‌گذاری
 ۴. تحرک سیاسی
- موارد زیر در مصوبات دولت‌ها به ترتیب بیشترین اولویت را داشته‌اند:
۱. مجوزها و تأییدات رسمی و دستورالعمل‌ها
 ۲. اهداف مربوط به فرهنگ ملی و رفاه اجتماعی
 ۳. سرمایه‌گذاری از طریق وزارت فرهنگ و سازمان‌های دولتی
 ۴. اهداف زیباشناسی، حرفه‌ای و دستیابی به استانداردهای بین‌المللی
 ۵. مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی
 ۶. سرمایه‌گذاری مستقیم دولت (دولت به عنوان صاحب ابزار تولید هنری)
 ۷. جوایز، جشنواره‌ها و هدایا
 ۸. اهداف اقتصادی
 ۹. سرمایه‌گذاری از طریق افراد، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی
 ۱۰. تحرک سیاسی تکاملی
 ۱۱. اهداف ایدئولوژیک
 ۱۲. رفاه هنرمندان
 ۱۳. تحرک سیاسی سلیقه‌ای - تحرک سیاسی چرخشی
 ۱۴. سرمایه‌گذاری از طریق شوراهای مستقل
 ۱۵. تحرک سیاسی تجدید نظری

نتیجه‌گیری

دولت در دو دوره اکبر هاشمی رفسنجانی سیاست‌های هنری تسهیل‌گر و مهندس، در دوره اول محمد خاتمی سیاست‌های هنری معمار و حامی، در دوره دوم او سیاست‌های هنری معمار و در دوره اول محمود احمدی‌نژاد سیاست‌های هنری معمار و مهندس را بیش از انواع

دیگر مورد استفاده قرار داده است. با وجود اینکه یافته‌ها نشان می‌دهد دولت‌ها در به‌کارگیری سیاست‌های هنری در مصوبات سینمایی با یکدیگر متفاوت بوده‌اند، اما در کل، سیاست‌های هنری معمار و مهندس نسبت به حامی و تسهیل‌گر بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این سال‌ها آنچه بیش از همه توسط دولت‌ها در مصوبات سینمایی مورد استفاده قرار گرفته مجوزها و تأییدات رسمی بوده است. اهداف ایدئولوژیک بسیار کم در مصوبات قابل تشخیص است و دولت‌ها با وجود استفاده فراوان از ابزار مهندس، اهداف مهندس نداشته‌اند و تنها از این ابزار برای اهداف دیگر استفاده کرده‌اند در واقع تلاش آنها بیشتر کنترل فرایندها بوده تا اهدافی خاص.

پنج شاخصی که بیشترین فراوانی را داشته‌اند نسبت به دیگر شاخص‌ها بیشتر در ترکیب با هم استفاده شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که دولت برای دستیابی به اهداف رفاه اجتماعی و همچنین اهداف حرفه‌ای و دستیابی به استانداردهای بین‌المللی از مسیرهای کاملاً کنترل شده استفاده کرده و در این مسیر از طریق بخش‌های فرهنگی خود سرمایه‌گذاری کرده یا به این بخش‌ها، مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی اعطا کرده است.

تحرك سیاسی نسبت به همه شاخص‌ها فراوانی کمتری دارد و این نشان می‌دهد دولت‌ها کمتر در مصوبات قبلی خود یا دولت‌های پیش از خود یا در تصمیمات قبلی دیگر نهادهای حکومتی، تغییرات اعمال کرده‌اند. اما فراوانی کم نحوه سرمایه‌گذاری حامی یعنی از طریق شوراهای مستقل هنری و فراوانی متوسط ابزار حامی یعنی جوایز و جشنواره‌ها نشان‌دهنده این است که دولت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به نحوه سرمایه‌گذاری از مشاوره متخصصان و هنرمندان حرفه‌ای استفاده نکرده و نقش آنها بیشتر محدود به داوری در جشنواره‌ها و انتخاب بهترین آثار بوده است.

از مزایای نقش معمار، وابسته نبودن به گیشه است. استفاده فراوان از نقش معمار در اغلب دوره‌ها نیز باید این مزیت را به دنبال داشته باشد، اما تجزیه این نقش به شاخص‌های نشان می‌دهد که شاخص نحوه سرمایه‌گذاری معمار کاربرد زیادی داشته در حالی که ابزار معمار بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع دولت به بیمه، استخدام و امنیت درآمد برای هنرمندان کمتر اهمیت داده است؛ بنابراین وابسته نبودن به گیشه در سیاست‌گذاری سینمایی در مورد هنر صادق بوده اما در مورد هنرمندان این طور نبوده است. در این سال‌ها، سینما در ایران حتی در صورت ورشکستگی به دلیل سرمایه‌گذاری‌های دولت به حیات خود ادامه داده است اما هنرمندان سینما به دلیل عدم حمایت دولت دارای شرایط باثبات اقتصادی و امنیت درآمد نبوده‌اند.



کتابنامه

- اسدزاده، م (۱۳۸۸) «جامعه‌شناسی سیاسی سینمای ایران» (بررسی مدیریت هنری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه سینما در دو دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی)، «چکیده مقالات ارائه‌شده در هم‌اندیشی ملی مدیریت هنری، تهران، خانه سینما، ۱۱-۱۲ آذر.
- سیلان اردستانی، ح (۱۳۸۸) «مقرارت سینما، تئاتر و موسیقی؛ چالش‌ها و خلأها»، «چکیده مقالات ارائه‌شده در هم‌اندیشی ملی مدیریت هنری، تهران، خانه سینما، ۱۱-۱۲ آذر.
- سرمد، ز، بازرگان، ع، و حجازی، الف (۱۳۸۵) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات آگاه.
- معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۸) *سیاست فرهنگی و الگوی ارائه گزارش در فعالیتهای فرهنگی*، تهران: انتشارات باز.
- معمدنژاد، ک (۱۳۵۶) *روش تحقیق در محتوای مطبوعات: با کلیاتی درباره تجزیه و تحلیل در ارتباطات جمعی*، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- هولستی، ا. ر (۱۳۸۰) *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، مترجم: نادر سالارزاده امیری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۲

دوره پنجم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۱

Chartrand H. H (2006) *Ideological evolution: the competitiveness of nations in a global knowledge-based economy*, phd dissertation, university of saskatchewan.

Chartrand, H. H (2002) "Funding the fine arts: an international political economic assessment", *Nordic theatre studies*, Vol. 14, available from:

Chartrand, H. H., & McCaughey, C (1989) "The arm's length principle and the arts: an international perspective - past, present and future", *who's to pay for the arts? the international search for models of support*, New York: American council for the arts.

Craik, J (2007) *Re-visioning arts and cultural policy: current impasses and future directions*, Australia: ANU E Press.

<http://artmarkets.files.wordpress.com/2009/09/chartrand.pdf> [accessed 23 july 2010].

Keane M. A., & Zhang, W (2008) "Cultural creative industries or creative (cultural) industries?", in: hu, huilin (eds), *China's cultural industries forum* (chinese publication), shanghai: shanghai peoples publishing. (in press)

Madden, C (2005) "International networks and arts policy research", *international journal of cultural policy*, 11 (2).

nylof, g (1997) "A method of evaluating cultural policy", *International journal of cultural policy*, 3 (2).

Predelli, L. N (1999) "Evaluation of cultural policy: the foundation culture of the future in sweden. a work in progress", *The international conference on cultural policy research*, Bergen, Norway, November 10-12.

Wyszomirski, M (2003) "From the cost of culture to the value of culture: the challenge of moving cultural policy into the 21st century", *keynote address at the second world summit on the arts and culture*, Singapore, November.